پشتوانه تکوینی اعتبار و تطبیق آن بر اعتبار پول

نکته این است که حامل ارزش، تکوینا ً حامل ارزش میشود، نه اعتبارا ً. بنابراین پولی که عقلاء اعتبار میکنند، چطور میخواهد حامل ارزش بشود، و حال آنکه میبینیم میشود؟ خب حل این سؤال و جواب آن، روشن است. ببینید؛ اعتبار کردن یک کاری است که عقلاء انجام میدهند. اعتبار کردن آنها که اعتباری نیست؛ عملیهٔ الاعتبار و اعتبار کردن آنها یک کار است و نفس الامری است؛ واقعی است. معتبَر در اعتبار، اعتباری میشود. پس معتبر که اعتباری باشد منافاتی ندارد که کار تکوینیای که بندههای خداوند -عقلاء- در خارج انجام میدهند، اعتباری نباشد. اعتبار کردن که اعتباری نیست. اگر اعتبار کردن اعتباری بود، چیزی موجود نمیشد. پس اعتبار کردن آنها تکوینی است. این اعتبار کردن یک معتبَر دارد، به تعبیری مرحوم محقق اصفهانی این معتبَر، در افق نفس عقلاء موجود است، نه در خارج. این عمل خارجی سبب میشود یک معتبَری بیاید؛ معتبَری که به معتبر بند است، عملیهٔ الاعتبار او تکوینی است. خود معتبر هم تکوینی است، معتبَر او، اعتباری است. اینجا حامل ارزش بودنش درست میشود. یعنی الآن بر این کار خارجی و آن معتبَری که تکوینا ً بند به این شخص است، آثاری بار میشود و خودشان هم این آثار را مترتب میکنند. بنابراین ازاینجهت مشکلی ندارد.

شاگرد۱: چرا معتبَر ارزش پیدا میکند؟ بله، کار تکوینی ما است، اما قرار است ارزش را به آن معتبَر بدهیم.

استاد: برای معتبَر که ارزش تکوینی نمیآید. الآن پولی که بهعنوان اسکناس است - پول فیاتی که اعتباری محض باشد و فقط چاپ کردهاند یا به پشتوانه حکومتی یا به پشتوانه طلا یا نفت و سائر چیزهایی که برای ارزهای دیجیتال بینالمللی حسابهای دیگری دارند - الآن آن پول بهعنوان یک شیء مثل کاغذ، اگر اعتبار نباشد، آن ارزش را ندارد. البته پول در چند واژه نزدیک به هم به کار میرود که خیلی با هم متفاوت هستند؛ خود اصل ماهیت حقوقی پول، ماهیت نوع خاصی از پول مثل ریال، و سپس ماهیت فرد خاصی از آن پول؛ یعنی اگر من پول بگویم، شما میبینید هم شامل ریال میشود و هم شامل لیره و دینار و هم دلار و هم یورو. همه اینها پول هستند. اما ریال دیگر شامل یورو نمیشود. یورو هم پول است، ولی تفاوت دارند. در فارسی خیلی از هم متمایز نیستند. ولی در اصطلاح اقتصاد با هم متفاوت هستند. «Money» و «Currency» گفته میشود. دلار و ریال و ... همه پول «Money» هستند. اما وقتی «Currency» میگویند به کلی پول نمیگویند، بلکه بهخصوص دلار گفته میشود؛ اعتبار خاص میشود. پول یک جور درجهای از عنصر حقوقی است. پول بهمعنای نوع خاصی از ارز؛ ارز را بهمعنای پول نگیرید. یعنی آنچه که مثلا ً در بازار فارکس انجام میدهند؛ حالت کلی و تجریدی و انتزاعی آن است. میگویید ریال واحد پول ایران است، کدام ریال؟ در کدام بانک؟! منظور کدام ریال نیست. بلکه منظور کلی آن است. این هم یک جور اعتبار است. پول خودش یک جور اعتبار است، ارز هم یک جور، و مهمتر از اینها، آن ممثّل آن ارز، یعنی آن واحدی که اسم آن را اسکناس میگذاریم؛ سکه یا بیت کوین. مثلا ً شما میگویید من پنج دانه بیت کوین دارم، وقتی پنج دانه میگویید ناظر به یک فردی از آن پول است. میگویید پنج ریال دارم، این پنج ریال اسکناس است. فردی از آن ریال کلی است. احکام اینها خیلی متفاوت است. نزدیک هم هستند و احکام دقیقی دارند.

ببینید الآن که شما می‌گویید اعتبار می‌کنند؛ این‌که می‌گویید آن پول کلی و آن ریال کلی اعتبار دارد، معنا ندارد. این‌ها یک امور کلی است. آن فرد ریال که در خارج به‌عنوان اسکناس و امثال این‌ها هست، اگر این پشتوانه را از آن بردارید، اعتبار ندارد. پس پشتوانه اعتبار آن فردش هم اعتبار کردن عقلاء است. معتبَر، ارزش این اسکناس‌ها است. اگر آن اعتبار را بردارید از ارزش ساقط می‌شود. می‌گویند فلان پول از ارزش ساقط شده است. وقتی از ارزش ساقط می‌شود، اگر مثل طلا باشد، فقط مادّه‌اش به درد می‌خورد. اگر مادّه‌اش فایده نداشته باشد، مثلاً کاغذ باشد یا اوراق بهادار معمولی باشد، هیچ می‌شود و وقتی از ارزش ساقط شد دیگر هیچ فایده‌ای ندارد.

شاگرد۱: فرد در اینجا با فرد خارجی متفاوت است. منظور پنج واحد از همین پول است.

استاد: بله، یعنی پنج واحد. مثلاً یک اسکناس پنج تومانی با یک اسکناس یک تومانی هر دو اسکناس است اما یکی ممثّل یک فرد از آن ریال است و دیگری ممثّل پنج فرد از آن ریال است.

شاگرد۲: فرمایشتان یعنی تا وقتی اعتبار هست، معتبَر واقعاً اغراض را استیفاء می‌کند.

استاد: بله، به این پشتوانه که اعتبار کار واقعی است و چون اعتبار، کار واقعی است تا اعتبار و این کار هست، معتبَر به آن بند است. معتبَر که به آن بند است، به پشتوانه این اعتبار کار را انجام می‌دهد.

شاگرد۱: یعنی ارزش معتبر به آن معتبَر سرایت می‌کند. چون خود معتبر یک ارزش حقوقی دارد، آن معتبَر هم دارای ارزش می‌شود.

استاد: بله، یعنی الآن کار انجام می‌دهد. ما که می‌گوییم دارای ارزش است، منظورمان کار انجام دادن است. تذکرش بجا است؛ ما که می‌گوییم حامل ارزش، منظورمان ارزش به‌معنای چیزی در سائر فضاها نیست، بلکه فقط منظورمان فضای اغراض و قیم است. حامل ارزش است، یعنی از آن، کار می‌آید تا ما را به تحصیل غرضمان برساند. جزئی از محصّل‌های اغراض می‌تواند باشد. ارزش، یعنی ارزش ایصال الی الغرض.

بازبینی #2
ایجاد شده 14 سپتامبر 2025 16:47:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 اکتبر 2025 13:50:06 توسط ... .